

## جوانان در پرتگاه سقوط!

«ما تمام مقررات داخلی خود را ، مانند دستورات مذهبی ،  
«از دست داده ایم ، نسلهای امروزی حتی از وجود چنین مقرراتی ،  
«در گذشته بی خبرند ، اعتدال؛ شرافت، درستی، مسئولیت،  
«دپاکی ، تملک نفس ؛ محبت به هم‌نوع ، شهامت ، ،  
«کوئی عبارات بی معنی و کلماتی است که مورد تمسخر «جوانان»  
«امروزی» است... انسان امروزی بجز جلب لذت ، اصلی برای  
«راه و رسم زندگی نمی‌شناسد» (۱)

(دکتر الکسیس کارل)

شوشگاه علوم انسانی و معارف فرہنگی

مدتی است مسئله «نسل جوان» و مشکلات و عقده‌ها و حوائج آنها ، سوژه داغ و جنجالی  
تازه‌ای شده که مورد بحث و گفتگوی بسیاری از محافل قرار گرفته و هنوز هم دامنه این بحث  
پایان نیافته و هر کس از کاسب سر گذر گرفته تا دانشمندان و نویسندگان بزرگ پیرامون آن اظهار  
نظر میکنند!

عده‌ای بنا بشیوه معمول باید بینی خاصی «نسل نو» را نسلی گناهکار ، منحط ، لاابالی ،  
بی‌هدف و سزاوار لعن و نفرین معرفی کرده و بروی جوانان بی‌رحمانه تازیانه میکشند . عکس -  
العمل این طرز قضاوت عجولانه و افراطی این بود که جوانان هم با چهره‌های برافروخته فریاد  
برآوردند و همه گناهان را بکردن بزرگان بگذارند و بگویند : ما چیزی جز مهره‌هایی از  
اجتماع فاسد و منحط امروز که بزرگسالان سازندگان این مهره‌ها هستند ، نیستیم . ما وارث

پریشانها و دلهره‌های يك جنگ شومیم، ماتنهائیم، دردمندیم، وحشت زده‌ایم، بی‌همزبانیم، بزرگترها با زبان مایبگانه‌اند، هنوز نتوانسته‌اند ما و آنچه که فکر میکنیم درك کنند، بین ما و آنها سدی محکم ایجاد شده که از ما و راء آن نه یکدیگر را میشناسیم و نه میتوانیم با احساسات، خواسته‌ها و توقعات یکدیگر آشنا شویم.

در میان این دودسته‌ها دیگری معتقدند که بحثها و گفته‌گواها و فریادها و اظهار تأسفهای تو خالی، لعنت فرستادن و یاد فاع کردن بی‌ثمر نسل جوان بیمار را معالجه نمیکند، داغ گناه به پیشانی آنها گذاردن، تکفیر و تهدید، خشونت و سخت‌گیری بطور مسلم نتیجه معکوس دارد، البته نباید این حقیقت را از نظر دور داشت که عده‌ای از جوانان ما در پر نگاه خطر ناک سقوط و تباهی قرار گرفته و خود آنها نیز در اثر عدم توجه بواقعیات زندگی مقصرند، اما جان کلام اینجاست که حقیقت را باید خالی از تعصب و با در نظر گرفتن همه جوانب آن بررسی کرد.

ما نمیخواهیم تمام جوانان را بطور کلی تبرئه کنیم بلکه میخواهیم بگوئیم بیائید بجای نفرینها و مجازاتها و اظهار تأسفها و داد و فریادهای زیان آوری و حد اقل بی نتیجه انگیزه گناه و انحراف را در جوانان بیابیم و ریشه کن کنیم، قبل از اینکه بتر بیت آنها برسیم باید بایک پیکای صحیح و ریشه دار، خوب آنها را بشناسیم، طبیعت اولیه آنها را درك کنیم، بهوش و غریزه و عواطف انسانی آنها پی ببریم و بر قواعد و قوانینی که بر طبیعت و اخلاق آنها حکم فرماست آگاهی حاصل کنیم و سپس برای تربیت این نسل نو خاسته و بی‌پناه همت گماریم و زمینه‌ای مساعد برای بارور شدن و امکان زندگی بهتر آنان فراهم آوریم.

بدیهی است که پر ارزش ترین تربیتها تربیتی است که در مراحل اولیه رشد جوانان صورت میگیرد، زیرا بر اساسی محکم میتوان بنائی رفیع استوار نمود.

امروز با وجود تقلیل وظیفه خانواده و تفکیک عمده تکالیف تربیتی، هنوز خانواده اولین مرکز تربیت بشمار میرود و نخستین بنای شخصیت هر فرد در محیط خانواده استوار می‌گردد.

اولین آشنائی هر جوان با فضائل و رذائل، زشتیها و زیباییها، آلام و لذات و بالاخره اولین تأثرات وی در برابر عوامل طبیعت و زندگی؛ در این محیط صورت می‌گیرد.

**پستانلزی میگوید:** «هر خصلت روحی که در اثر روابط خانوادگی پرورش یافته باشد، سرچشمه حکمت و توانائی برای سایر روابط اجتماعی است» (۱)

یکی از تحقیقات دکتر «بورت» نشان میدهد که بیشتر «مجرمین جوان» از خانواده‌های درهم ریخته و یا خانواده‌هایی که بوظیفه خود آشنا نیستند بیرون آمده‌اند، بطور کلی میتوان گفت که بحران اخلاقی در جامعه ابتدا بشکل تربیت خانوادگی جلوه میکند (۱).

یکی از بزرگترین اشتباهات دنیای امروز اینست که کودکان را جایگزین کانون خانواده و دامان مادر کرده‌است این امر را باید معلول خیانت عده‌ای از مادران هوسباز دانست مادرانیکه فرزندان خود را بکودکستان می‌سپارند تا بشغل اداری یا هوی و هوس خود بپردازند و یا وقت خود را در سینماها و کاباره‌ها ببطالت بگذرانند بچوانان آینده مملکت لطمه‌ای بس خطرناک و جبران ناپذیر میزنند.

باکمال تأسف در اجتماع ما محیط تربیت خانوادگی بسیار رقت انگیز است. بسیاری از پدران و مادران، عصبانی، ضعیف و خشن هستند و مفاسد و معایب بسیاری بفرزندان خود می‌آموزند! چه بسیار جوانانی که در خانه و خانواده خود مناظری از بی ادبی، مجادله، خود پسندی و بدمستی را می‌بینند و بدین سبب است که در چهره طبعه جوان امروز همچون آئینه‌ای، اثر بی لیاقتی مریمان منعکس میباشد!

دکتر کارل می نویسد: پدران و مادران عموماً حسن نظر دارند ولی اغلب به علت جهل خود خطا میکنند بایستی از هم اکنون پدران و مادران آینده را باروش صحیح زندگی و تربیت کودک آشنا کرد (۲)

دستورات اسلامی، پدران و مادران را همواره بمسئولیت خطیر تربیت فرزندان متوجه نموده و پدران اندر زهای لازم را داده است.

در یکی از کلمات کوتاه پیغمبر گرامی اسلام چنین می خوانیم: پدران و مادران در مقابل فرزندان نشان مسئولند همانطور که آنان در مقابل پدران و مادران مسئول میباشند (۳)

\* \* \*

از محیط خانواده که بگذریم به جامعه بزرگ و پرپیچ و خم کنونی میرسیم، جامعه‌ای که با تبعیضات، بی عدالتیها، ترجیح منافع خصوصی بر مصالح عمومی، فیلمهای سینما و

(۱) همان مدرك

(۲) راه و رسم زندگی صفحه ۱۶۵

(۳) يلزم الوالد بن العتوق اولد هماما يلزم الولدها من عتوقها (فروع کافی

رمانها و داستانهای جنائی و آمیزش مردوزن خود سبب ازدیاد جنحه و جنایت گردیده و آرامش خیال و فراغ خاطر را از افراد سلب کرده است ، اجتماعی که صدها هزار تن جوان فقیر و پریشان و بیکار و تراخمی و هر وئینی در آن وجود دارد و هزاران کودک و لگردد برهنه و گرسنه در کوچه و بازار آن ، در خرابه‌ها و بیغوله‌ها با وضع ناآثر انگیزی بسر می‌برند .

در چنین اجتماعی با این همه عوامل فساد و وسائل سقوط جوانان و توسعه روز افزون آنها ما می‌خواهیم بدون توجه به گسترش علل تباهی و جنایت و نشان دادن راهی صحیح و مثبت برای معالجه بیماریهای جوانان ، با منفی بافیها ، نشست و برخاستنهای موسمی و تشریفاتی! گفتگوها و تشکیل سینه‌ها ؛ مشکلات جوانان را حل کرده و آنها را از خطر سقوط برهانیم! خلاصه می‌خواهیم با وجود مراکز بیشمار فساد و لانه های فراوان شهوت و فحشا و بدون داشتن دستگاههای صحیح تربیتی به توقعات این قشر حساس و نوحاسته ، جامعه عمل ببوشانیم و برای عقده‌ها و نگرانیها و سرگردانیهای آنها چاره اندیشی کنیم و اینست سراینکه بجائی نرسیده و نخواهیم رسید .

راستی کسانیکه دم از بررسی مشکلات نسل جوان می‌زنند اگر با اصلاح این طبقه علاقه مندند باید بدنبال موعظه و نصیحت در میدان عمل برای آنها کار کنند ، برای توافق محیط اجتماعی با ضروریات تعلیم و تربیت جوانان در وهله اول باید بیک تصفیه دامنه دار دست زد ، باید بطور جدی فیلمهای سینما و برنامه‌های رادیو و تلویزیون را سانسور کنند، در مطبوعات تجدید نظر کلی بعمل آید و تحولی بنیادی در وضع آنها صورت گیرد ؛ میخانه‌ها ، بارها ، دانسینگها و بسیاری از مراکز تفریحات سالم و غیر سالم از اساس ویران گردد و سپس بر ویرانه‌های آنها یک سازمان وسیع ؛ صحیح، علمی ، اخلاقی، تربیتی، متناسب با روح و موقعیت طبیعی جوانان پی ریزی کنند ، سازمانیکه بتواند فلسفه حیات و هدف از زندگی را برای جوانان تشریح نماید ، تشکیلاتی که قادر باشد ارزشهای فراموش شده اخلاقی و انسانی را به عنوان اساسی ترین مقیاس سعادت و خوشبختی به نسل نویی آموزش دهد، ایمان بمبده و اعتقاد به مذهب و نمودهای بی پیرایه مذهبی را آنطور که هست تعلیم دهد و بالاخره دستگاهی که بتواند قبل از همه چیز برای مملکت « آدم » بسازد یعنی افرادی که تمام نیروهای آنها بطور اعتدال پرورش یابد، فکر و اراده و عاطفه آنها با هم تقویت و تربیت شود ، آموزش دانش با آنها با پرورش اخلاق و ایمان توأم باشد.

این سازمان وظیفه دارد تمام کمبودهای زندگی جوانان را جبران کند ، کمبودهایی که اساس و دلیل بسیاری از عقده‌ها و ناراحتیهای آنان بشمار میرود .  
 و برای اینکه هیجانات و خلجانات و شور و شوق سرشاری که ویژه جوانان است ، بتعصب منجر نگردد و یا در راههای مضروبی ثمر مصرف نشود باید انواع و سائل تفریحات و اوقاتاً سالم را در اختیار آنها بگذارد .

پرواضح است که تنها از این قبیل راهها میتوانیم به نسل نوحاسته اجتماع خود یاری کنیم و آنها را از پرتگاد سقوط نجات بخشیم ، آری باید با کارهای مثبت و ایجاد پناهگاه - های حبیح مذهبی بر اساس خرابه‌های مؤسسات تباهی نسل نو ، بکمک جوانان شتافت تا سر بدیوار ظلمت نکوبند ، و از میان تاریکیها راهی بسوی روشنائی پیدا کنند ...

## احترام بسخن حق

یکنفر کلیمی از پیامبر اکرم سؤال کرد ، حضرت مقداری مکث کرد و سپس پاسخ او را گفت . آن شخص به حضرتش عرض کرد : با اینکه جواب سؤال بنده را میدانستی چرا در دادن جواب تأمل فرمودی ؟ فرمود : برای احترام بگفتار حکیمان و حق .

(سفینة البحار)